

# مدارس نجف اشرف

نویسنده: محمد خلیلی / مترجم: محمد حسین خوشنویس

## پیش درآمد

دور از واقع نیست که بگوییم وجود اولین مدرسه، مقارن با شروع تعلیم و تعلم بوده؛ هر چند این مدرسه، محل یا ساختمان مخصوصی به این نام نداشته است. همین که چند نفر دور هم جمع می شدند و هدفشان یادگیری و مباحثه علمی و شنیدن پند استاد بود، همان جا مبدل به مدرسه‌ای می شد. این اجتماع ساده می توانست در هر جایی باشد؛ از بازار گرفته تا صحن مطهر علوی یا مساجد شهر و مساجدی که فاصله چندانی با شهر نداشت؛ مثل مسجد کوفه؛ مسجدی که در شهرت و فضیلت، کمتر از مسجد پیامبر ﷺ در مدینه نیست. مسجدی که این ظرفیت را داشت که زادگاه اندیشه‌های جدید و نوآوری در عرصه علم باشد و سرآمدانی در علوم و فنون مختلف از آن برخیزند و مبدأ تغییر و تحول باشد.

از همین کلاس‌ها و مدرسه‌های ساده و بی آرایش بود که نهضت‌های فکری شکل می گرفت و آیندگان و وارثان علم و تقوا می توانستند میوه شیرین این شجره طیبه را بچینند.

## پیشینه علم؛ مدارس در ابتدای راه

در گذشته‌های دور، در بیرون شهر کوفه، مدرسه‌ای سُریانی‌الاصل به نام «عاقولا» وجود داشت که تا دوره رومانی‌ها به حیات خویش ادامه داد. در این مدرسه درس‌هایی با مبانی و اصول یونانی نیز تدریس می شد، تا این که این مدرسه در گذر روزگار به افول گرایید و ستاره‌ای به نام «حیره» در یک فرسخی‌اش با پرتو افشانی بیشتری طلوع کرد.

◆ در گذشته‌های دور، در بیرون شهر کوفه، مدرسه‌ای سُریانی‌الاصل به نام «عاقولا» وجود داشت که تا دوره رومانی‌ها به حیات خویش ادامه داد. در این مدرسه درس‌هایی با مبانی و اصول یونانی نیز تدریس می شد، تا این که این مدرسه در گذر روزگار به افول گرایید و ستاره‌ای به نام «حیره» در یک فرسخی‌اش با پرتو افشانی بیشتری طلوع کرد.

ستاره‌ای به نام «حیره» در یک فرسخی‌اش با پرتوافشانی بیشتری طلوع کرد و چهره درخشانی را در دست‌یابی به مدار عالی علوم به همگان نشان داد.

حیره نیز چند صباحی مرکزیت علمی خود را حفظ کرد و سپس این مرکزیت به کوفه منتقل شد و پس از مدتی نجف اشرف تبدیل به قطب دانش و دانشوران گشت. این که کوفه چگونه توانست به این مقام علمی نایل شود پاسخی روشن دارد: حضور امیرمؤمنان علی علیه السلام در این شهر و به‌خصوص استقرار حضرت در مسجد کوفه تداعی کننده «أنا مدينة العلم و علی بابها» شد؛ متفاوت از آنچه حاکمان و سلاطین انجام می‌دهند که چون وارد هر شهری می‌شوند، ابتدا به سراغ قصرها و کاخ‌های آن می‌روند.

امیرمؤمنان علیه السلام مسجد کوفه را مصلائی خویش و در عین حال به مثابه مدرسه‌ای قرار داد که می‌توانست در آن به تعلیم و تربیت یارانش پردازد و در ضمن در اختلافات میان مردم در همین مسجد قضاوت نماید. شخصیت‌های بزرگی چون ابوالأسود دؤلی و عبدالله بن عباس در این مدرسه رشد یافتند.

پس از امیرمؤمنان علیه السلام، فرزندان و نوادگان مکرم آن حضرت تا زمان امام صادق علیه السلام در این مدرسه حضور فعال داشتند. امام صادق علیه السلام در مدت کوتاهی که در کوفه حضور داشتند، ادامه دهنده این مسیر بودند. «ابوعباس بن عقده همدانی کوفی» کتابی در شرح حال شاگردان امام صادق علیه السلام نگاشت و تعداد ایشان را تا چهارهزار تن تخمین زد.<sup>۱</sup>

اگر گستره و تنوع اسلامی در کوفه و شهرتی که این خطه از سرزمین عراق در پیدایش فنون ادبی یافت را بشناسیم، جایگاه و ارزش چنین مدرسه‌ای که به نجف اشرف منتقل شد تا اندازه زیادی روشن می‌شود؛ هرچند مدرسه‌ای که در کوفه به بلوغ فکری خود رسیده بود، قابل مقایسه با مدارس عصر جدید و فناوری امروز نیست، ولی در روزگار خود، از طراز بالایی برخوردار بود.

### مدارس در فراز و نشیب

پس از مدتی فضاهاى مخصوص درس و تعلیم و تعلم شکل گرفت. بناهایی شامل چند اتاق و حجره که برخی از آنها محلی برای سکونت جویندگان علم نیز تدارک دیده بودند. این



مدارس با وقف و اموال وقفی اداره می‌شد و از آن‌جا که تکیه‌شان بر همین موقوفات بود، با از بین رفتن موقوفات، منبع درآمد دیگری برای این مدارس نبود و از طرفی کمتر کسی یافت می‌شد که تبرّعی برای این مدارس هزینه کند. در نتیجه، این‌گونه مدارس کم‌کم متروکه و فراموش شده و سرانجام به تلی از خاک مبدّل می‌شد و زمینش به تصرف اشخاص حقیقی و حقوقی درمی‌آمد و چون مساحت دقیق آنها ثبت و ضبط نشده بود، کسی هم از آن اطلاع نداشت.

شواهد نشان می‌دهد که بسیاری از مدارس در نجف اشرف به همین شکل از بین رفته‌اند. یکی از این شواهد، سفرنامه‌هایی است که به دست ما رسیده؛ از جمله سفرنامه «ابن بطوطه» که از بهترین نمونه‌هاست. ابن بطوطه گردشگر مسلمان معروف مراکشی در سال ۷۳۷ هجری سفری به نجف اشرف داشته است. او مشاهداتش از یک مدرسه دینی را این‌گونه بازگو می‌کند:

از یکی از درب‌های حرم علی بن ابی طالب علیه السلام که معروف به «باب قبله» است، به مدرسه بزرگی وارد می‌شویم. معمولاً مهمانانی که به این مدرسه می‌آیند، تا سه روز می‌توانند در آن اقامت کنند. در این مدرسه طلاب شیعه سکونت دارند. آنان از میهمانان در طول این سه روز با نان و گوشت و خرما پذیرایی می‌کنند.<sup>۲</sup> البته از این مدرسه‌ای که ابن بطوطه در سفرنامه خویش از آن یاد می‌کند، اکنون اثری باقی نمانده است. این سفرنامه و امثال آن به ما می‌گویند که در آن روزگار

♦  
مدرسه‌ای در باب قبله حرم علوی بوده که دری مشترک با حرم داشته و امروز اثری از آن نیست. البته برخی مدارس به همین اندازه هم نامی یا توصیفی از آنها وجود ندارد. زمین بسیاری از این مدارس گمنام، دانسته یا ندانسته، به خانه‌ها، مساجد، حسینیه‌ها و یا مدارس دیگر یا محلی برای عبور و مرور تبدیل شد. مدرسه‌ای که ابن بطوطه توصیفش می‌کند، به‌گفته‌زین العابدین شیروانی به دستور «سلطان محمد خدابنده» که توسط «علامه حلی» شیعه شده بود، ساخته و با مدیریت فرزندش «بوسعید» اداره می‌شد.



چه‌ها بوده که اکنون نیست؛ مانند این که مدرسه‌ای در باب قبله حرم علوی بوده که دری مشترک با حرم داشته و امروز اثری از آن نیست. البته برخی مدارس به همین اندازه هم نامی یا توصیفی از آنها وجود ندارد. زمین بسیاری از این مدارس گمنام، دانسته یا ندانسته، به خانه‌ها، مساجد، حسینیه‌ها و یا مدارس دیگر یا محلی برای عبور و مرور تبدیل شد. مدرسه‌ای که ابن بطوطه توصیفش می‌کند، به گفته زین العابدین شیروانی به دستور «سلطان محمد خدابنده» که توسط «علامه حلّی» شیعه شده بود، ساخته و با مدیریت فرزندش «ابوسعید» اداره می‌شد.

در گذر تاریخ، نام مدارس بیشتری را می‌توان در کتاب‌ها دید؛ گویا مؤلفین آنها به اهمیت تاریخی و دیباچه‌نویسی از اماکن مهم و مدارس پی برده بودند. تاریخچه برخی از این مدارس نیز فقط در صندوقچه اسرار سینه‌ها بوده و به ما رسیده است. مدارس جدیدی هم ساخته شده و می‌شوند که تاریخ فرهنگ نجف اشرف هنوز مجال پرداختن به آنها را نیافته است.

### مدیریت اقتصاد مدارس

گفتیم که تمام مدارس دینی نجف، چه مدارس قدیم و چه جدید، توسط موقوفات اداره می‌شود. سازمان‌هایی مخصوص به این کار وجود دارند که اوقاف مردم را در جای درست و مورد نیاز هزینه می‌کنند. از آن‌جا که هزینه مدارس از اموال وقفی تأمین می‌شود، ممکن است واقفین برای مدرسه یا زمینی که قرار است در آن مدرسه‌ای احداث شود یا برای استفاده کنندگان، شروطی وضع کنند و مطابق با این شرایط، طلاب در مدرسه مورد نظر پذیرفته و اسکان داده می‌شوند.

غالب ساکنین و حجره‌داران این مدارس، از طلاب غیربومی‌اند که برای تحصیل و رسیدن به مدارج عالی علم و تقوا به این شهر آمده‌اند. طلابی از هند، تبت، افغانستان، پاکستان، ایران، قفقاز، از قاره آفریقا تا آمریکا و طبعاً از شهرهای دیگر عراق. آنان ده‌ها سال از جوانی و عمر خویش را صرف درس و بحث می‌کنند تا وقتی به شهرهای خویش باز می‌گردند، دست خالی نباشند و دست کم اجازه اجتهادی از مراجع معظم دریافت کنند.

پس از پذیرش طلبه در مدرسه، حجره‌ای در اختیارش گذاشته می‌شود. این حجره‌ها در برخی مدارس کمترین امکانات را دارند؛ مثل برخورداری از برق و زیرانداز. مدرسه

نیز این توان را دارد که هر ماه یا در مناسبت‌های عید، هدایایی نقدی به طلبه‌های خود بدهد. البته برخی مدارس حتی این حداقل‌ها را نیز ندارند. این تفاوت، بسته به منبع مالی مدرسه است. گاهی برای یک مدرسه موقوفات متعددی وجود دارد و طبعاً بهتر می‌توانند به طلبه‌های خود رسیدگی کنند. مدرسی هم هستند که حتی یک موقوفه مستقل ندارند و با یک یا چند مدرسه دیگر، تنها در یک موقوفه مشترکند و در وضعیت سخت‌تری به سر می‌برند. سماوی در این باره می‌گوید:

فَبَعْضُهَا تَكُونُ ذَاتَ رَاتِبٍ يُنْفَقُ فِي الشَّهْرِ لِكُلِّ طَالِبٍ  
وَبَعْضُهَا فِي الْجُمُعَاتِ تَجَلَّوْا مَائِدَةً وَالْبَاقِيَاتُ تَخَلَّوْا<sup>۳۱</sup>

یعنی: برخی مدارس وضع مالی خوبی دارند و در هر ماه شهریه‌ای به همه طلبه‌هایش می‌دهند و در برخی دیگر فقط جمعه‌ها غذایی پیدا می‌شود و در بقیه روزها سفره‌ها خالی است!

در برخی مدارس، طلاب سهمیه روزانه نان دارند که هر روز آن را از نانوائی می‌گیرند. مقدار شهریه‌ای که طلبه می‌گیرد، به چند عامل وابسته است: میزان تحصیلات، متأهل و مجرد بودن و مهم‌تر از همه میزان منابع مالی مدرسه و دفاتر مراجع تقلید.

برخی از طلابی که به نجف می‌آیند، وضع اقتصادی خوبی دارند و همه آنچه که نیاز دارند را به همراه می‌آورند. از حجره‌های مدارس استفاده نمی‌کنند؛ بلکه خانه مستقل اجاره می‌کنند و اگر متأهل باشند، با خانواده به نجف می‌آیند و با دست باز خرج می‌کنند و شائبه‌ای از

از آن‌جا که هزینه مدارس از اموال وقفی تأمین می‌شود، ممکن است واقفین برای مدرسه یا زمینی که قرار است در آن مدرسه‌ای احداث شود یا برای استفاده کنندگان، شروطی وضع کنند و مطابق با این شرایط، طلاب در مدرسه مورد نظر پذیرفته و اسکان داده می‌شوند.

پس از پذیرش طلبه در مدرسه، حجره‌ای در اختیارش گذاشته می‌شود. این حجره‌ها در برخی مدارس کمترین امکانات را دارند؛ مثل برخورداری از برق و زیرانداز. مدرسه نیز این توان را دارد که هر ماه یا در مناسبت‌های عید، هدایایی نقدی به طلبه‌های خود بدهد. البته برخی مدارس حتی این حداقل‌ها را نیز ندارند. این تفاوت، بسته به منبع مالی مدرسه است. گاهی برای یک مدرسه موقوفات متعددی وجود دارد و طبعاً بهتر می‌توانند به طلبه‌های خود رسیدگی کنند.

احتیاج در ایشان دیده نمی‌شود. این طلاب پدرانی دارند که با کمال سخاوت مخارج ایشان و بلکه اضافه بر آن را تقبل می‌کنند. اما این گروه از طلاب مشکلی نیز ندارند، و آن مهمانی‌های وقت و بی‌وقت و غیرضروری که مانع بزرگی در راه درس خواندن و تحقیق است. از این رو اوقات روز را غالباً بیرون از منزل و در کلاس‌های درس و مباحثه به سر می‌کنند و شب‌هنگام، دیروقت به منزل بازمی‌گردند. برخی طلاب ایرانی و آذربایجانی که وضع مالی خوبی دارند، چنین زندگی می‌کنند.

### حجره

حجره نیز عرفاً برای استراحت و صرف غذاست و برای درس و بحث از حجرات بیرون می‌آیند. غالب طلابی که در مدرسه حجره دارند، مجردند. برخی از طلاب بومی نیز ممکن است در مدرسه دارای حجره باشند؛ مانند آنهایی که نمی‌توانند در منزل، فضای مناسب و آرامی برای تحقیق و مطالعه فراهم کنند. در میان این طلاب بومی، هم مجردها حضور دارند و هم متأهلین.

بیشتر مدارس نجف متشکل از طلاب بومی و غیر بومی است، ولی تعدادی از مدرسه نیز وجود دارد که مخصوص طلاب شهرستانی است؛ مثل مدرسه ابروانی که برای طلاب ترک‌زبان و مدرسه عاملین که برای طلاب لبنانی و مدرسه هندی که برای طلاب هندوستانی است.

استاد در انتخاب مدرس آزاد است؛ فقط باید جایی باشد که در شأن درس و تدریس و مباحثه باشد. طلاب

بیشتر مدارس نجف متشکل از طلاب بومی و غیر بومی است، ولی تعدادی از مدرسه نیز وجود دارد که مخصوص طلاب شهرستانی است؛ مثل مدرسه ابروانی که برای طلاب ترک‌زبان و مدرسه عاملین که برای طلاب لبنانی و مدرسه هندی که برای طلاب هندوستانی است.

از همان «ابتدا» در انتخاب استاد نیز آزادند و این آزادی تا سطوح عالی و دروس خارج ادامه دارد.

طلاب یک مدرسه لزوماً در یک سطح علمی نیستند. برخی در مراحل ابتدایی و برخی در درجه اجتهادند، اما برادرانه در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. حتی ممکن است مدرسه‌ای که مثلاً شصت حجره دارد، شصت طلبه با سطوح علمی متفاوت داشته باشد.

به تمام طلاب یک مدرسه، یک کلید درب اصلی مدرسه داده می‌شود تا در رفت و آمد در هر ساعتی از شبانه‌روز آزاد باشند. معمولاً طلاب پس از بسته شدن درهای حرم علوی به مدرسه بازمی‌گردند، ولی با این حال چراغ بیشتر حجره‌ها تا پاسی از شب روشن است.

غالب طلبه‌های غیربومی غذای‌شان را در حجره آماده می‌کنند؛ غذایی شامل نان و خرما و شیر. گاهی نیز چند روز بر برخی از ایشان می‌گذرد، بدون این که یک وعده غذای کامل مصرف کرده باشند.

دکتر زکی مبارک که در جمعیت «رابطه عالمیه» نجف اشرف سخنرانی می‌کرد، به این موضوع اشاره نمود و گفت که خودش سابقه زندگی طلبگی در نجف اشرف را داشته و چه بسیار پیش می‌آمد که حتی برای یک قرص نان تازه پولی نداشت و به دنبال نان خشکی می‌گشت که بلکه بسیار پیش می‌آمد که حتی برای یک قرص نان تازه پولی نداشت و به دنبال نان خشکی می‌گشت که بلکه پیدا کند یا نکند! دکتر زکی قسم یاد کرد که بارها بر اثر شکستن نان‌های خشک، انگشتان دستش به سختی جراحات برداشته! ولی با این حال درس و بحث و مطالعه‌اش را رها نکرد.

دکتر زکی مبارک که در جمعیت «رابطه عالمیه» نجف اشرف سخنرانی می‌کرد، به این موضوع اشاره نمود و گفت که خودش سابقه زندگی طلبگی در نجف اشرف را داشته و چه بسیار پیش می‌آمد که حتی برای یک قرص نان تازه پولی نداشت و به دنبال نان خشکی می‌گشت که بلکه پیدا کند یا نکند! دکتر زکی قسم یاد کرد که بارها بر اثر شکستن نان‌های خشک، انگشتان دستش به سختی جراحات برداشته، ولی با این حال درس و بحث و مطالعه‌اش را رها نکرد.





## تعطیلات و اوقات فراغت

مدارس دو روز در هفته یعنی پنج‌شنبه و جمعه تعطیل است. تعطیلات مناسبتی هم به این دو روز اضافه می‌شود. طلاب سعی می‌کنند این فرصت را در تفریحات سالم و مفرح سپری کنند. سفر به باغ‌ها و بوستان‌های اطراف و نشستن دور یکدیگر و به مشاعره پرداختن، صرف چای و گفت‌وگو درباره معضلات و طرح معماهای ادبی و اشعار را به بحث گذاشتن، از جمله این سرگرمی‌هاست. گاهی نیز به دور از چشم مردم کوچه و بازار، تنی به آب می‌زنند و شنا می‌کردند. برخی طلاب به سبب مداومت بر شنا کردن، به مهارت‌های بالایی در این رشته ورزشی می‌رسیدند. برخی نیز به مسابقه دو و تیراندازی می‌پرداختند، اما توجه داشتند که مردم آنها را در حال بالا و پایین پریدن نبینند؛ چون این را مخالف شأن طلبگی می‌دانستند.

برخی از طلاب نیز که از تقدس و معنویت بیشتری برخوردار بودند، به صورت پیاده به مشهد مشرفه می‌رفتند که علاوه بر فعالیت جسمی، فعالیت روحی هم بود. فاصله هشتاد کیلومتری نجف - کربلا را پیاده می‌پیمودند و در این سفر دو روزه، تنها مقداری نان و خرما به همراه داشتند. چون به کربلا می‌رسیدند، دوستانشان در حوزه کربلا به گرمی از ایشان استقبال و پذیرایی می‌کردند و آن‌ها هنگامی که طلاب کربلایی به نجف می‌رفتند، به حجرات دوستان خود در نجف اشرف وارد می‌شدند. سه‌شنبه شب هر هفته تعداد انبوهی از طلاب، مثل باقی

◆ سفر به باغ‌ها و بوستان‌های اطراف و نشستن دور یکدیگر و به مشاعره پرداختن، صرف چای و گفت‌وگو درباره معضلات و طرح معماهای ادبی و اشعار را به بحث گذاشتن، از جمله این سرگرمی‌هاست. گاهی نیز به دور از چشم مردم کوچه و بازار، تنی به آب می‌زنند و شنا می‌کردند. برخی طلاب به سبب مداومت بر شنا کردن، به مهارت‌های بالایی در این رشته ورزشی می‌رسیدند.

◆ شب سه‌شنبه هر هفته تعداد انبوهی از طلاب، مثل باقی مردم به مساجد کوفه و سهله می‌روند. فاصله این دو مسجد از نجف تقریباً هشتاد کیلومتر است. طلاب در این فضای درس و بحث دور شده و به خود می‌پردازند و غرق در نماز و دعا می‌شوند و بدین وسیله از زنجیر عجب و حجاب علم که ممکن است به سراغشان آمده باشد، رها می‌شوند.

مردم به مساجد کوفه و سهله می‌روند. فاصله این دو مسجد از نجف تقریباً هشت کیلومتر است. طلاب در این مسجد از فضای درس و بحث دور شده و به خود می‌پردازند و غرق در نماز و دعا می‌شوند و بدین وسیله از زنجیر عجب و حجاب علم که ممکن است به سراغشان آمده باشد، رها می‌شوند.

سعی طلاب بر این است که خود را به درس و معاشرت با دوستان محدود نکرده و منزوی نشوند. به همین دلیل در مراسم جشن ازدواج دوستان یا مجالس ختم شخصیت‌های بزرگ شرکت می‌کنند؛ به‌ویژه از شرکت در مجلس عزای اهل بیت علیهم‌السلام مخصوصاً امام حسین علیه‌السلام نیز غافل نیستند. آنان در این مجالس و محافل معنوی، روحیه قدسی خود را تقویت می‌کنند و این انوار معرفت و رحمت را در جای دیگری نمی‌یابند.

#### هندسه مدارس قدیمی

در ساخت مدارس دینی و به‌طور کلی هر بنایی، جوانب زیست‌محیطی شهرها مراعات می‌شود. در نجف اشرف برای فرار از گرمای طاقت‌فرسای تابستان، سرداب‌هایی می‌سازند تا به آن‌جا پناه ببرند. این سرداب‌ها ممکن است به شکل افقی و در کنار هم ساخته شود و در یک یا چند جهت از ساختمان و گاهی به شکل عمودی و چندطبقه هستند. در اصطلاح نجفی‌ها به سردابی که به سطح زمین نزدیک‌تر است، سرداب بالا و به پایین‌تری سرداب نیم‌سن و به دورتری سرداب سن می‌گویند.<sup>۴</sup>

◆ در نجف اشرف برای فرار از گرمای طاقت‌فرسای تابستان، سرداب‌هایی می‌سازند تا به آن‌جا پناه ببرند. این سرداب‌ها ممکن است به شکل افقی و در کنار هم ساخته شود و در یک یا چند جهت از ساختمان و گاهی به شکل عمودی و چندطبقه هستند. در اصطلاح نجفی‌ها به سردابی که به سطح زمین نزدیک‌تر است، سرداب بالا و به دورتری سرداب سن می‌گویند.

برای تهویه هوای سرداب سن و نیم‌سن در وسط مدرسه حفره‌ای به شکل متوازی‌الاضلاع به ابعاد دو متر مربع حفر می‌شود. از این حفره برای رسیدن نور به سرداب یا کشیدن آب از چاه نیز استفاده می‌شود. در خود سرداب نیز پنجره‌هایی تعبیه شده تا تهویه بهتری صورت بگیرد. همچنین منافذ و کانال‌های هوایی که به سطح زمین راه دارد، بیشتر به این هدف کمک می‌کنند. این سرداب‌ها غالباً با آجر و گچ در دیوارها و با کاشی در کف پوشیده شده است. بهترین نمونه این مهندسی را می‌توان در مدرسه سید کاظم یزدی دید. در بسیاری از سرداب‌ها چاه آب وجود دارد که به چاه سرداب‌های مجاور راه دارد. آب این چاه‌ها از نهر فرات و به وسیله قنات تأمین می‌شود.

برخی معتقدند که این شکل و مهندسی ساختمان‌ها و مدارس و سرداب‌ها تقلید از مهندسی بناها در شهر «شوشتر» است؛ چون این شهر شباهت آب و هوایی و اقلیمی فراوانی به نجف اشرف دارد. برای صحت یا میزان دقت این ادعا باید بررسی تاریخی صورت بگیرد. طلاب در فصل تابستان در این سرداب‌ها وقت می‌گذرانند. این اماکن پناهگاه خوبی برای دوری از طوفان شن و ریزگردهای فصلی به حساب می‌آید. گاهی مجبور می‌شوند بیست و چهار ساعت در سرداب بمانند و بیرون آمدن ممکن نیست.

غالب مدارس به شکل مربع یا مستطیل ساخته شده‌اند. زمین وسط مدرسه را نیز خالی می‌گذارند تا حیاط بزرگی در آن ساخته شود و در وسط حیاط نیز حوض آبی ساخته می‌شود.

حجره‌ها یکی پس از دیگری در چهار ضلع مدرسه ساخته می‌شوند و مساحت هر یک به طور متوسط شش متر مربع است. در طبقه هم‌کف مقابل هر حجره یک ایوان مسقف قرار گرفته که با گچ کاری مزین شده است. ایوان هر حجره منحصرأً برای همان حجره است. در طبقه اول، حجره‌ها مثل طبقه هم‌کف ساخته می‌شوند؛ با این تفاوت که حجره‌ها ایوان مستقل ندارند و در حقیقت ایوان‌ها به یکدیگر متصل و مبدل به مسیر عبوری می‌شود.

### هندسه مدارس جدید

تفاوت مدارس جدید را می‌توان از مواد اولیه در ساخت و ساز گرفته تا طرح و نقشه مشاهده کرد. به جای آجر و گچ و چوب، سیمان و آهن و آرماتور استفاده می‌شود. طبقات به سه

تا چهار افزایش یافته است. حجره‌ها همچون گذشته در چهار ضلع مدرسه ساخته می‌شود؛ البته وسیع‌تر و دل‌بازتر و با پنجره‌های بیشتر.

در مدارس جدید دینی، سالنی بزرگ برای همایش‌ها و مجالس در نظر گرفته شده است. ساختمانی مجهز برای کتابخانه و نمازخانه و حمام‌ها و سرویس‌های بهداشتی به تعداد زیاد.

مدارس دولتی تفاوت بیشتری دارند. در این مدارس التزامی نسبت به ساخت بنا در چهار ضلع حیاط مدرسه وجود ندارد؛ بلکه فقط در یک ضلع، اتاق‌ها و حجره‌هایی در دوردیف ساخته می‌شود و میان این دوردیف راهرویی عریض برای عبور و مرور لحاظ شده است. در ضلع دیگری سالن همایش و در ضلع دیگر، سرویس‌های بهداشتی، به دور از کلاس‌ها واقع شده است.

البته از تشابه کلی که میان مدارس دینی وجود دارد، در مدارس دولتی خبری نیست؛ تا جایی که می‌توان ادعا کرد که هر کدام از مدارس دولتی، هندسه و ساختاری مستقل و منحصر به فرد دارد که نیاز و شرایط آن را تعیین می‌کند.

#### نمونه‌ای از متن وقفنامه یک مدرسه

آنچه می‌خوانید وقف‌نامه‌ای است که در طی آن، زمینی برای ساخت یک مدرسه دینی و تأسیسات دیگر واگذار شده است. نکته قابل توجه این است که واقف در گذشته وقفی را انجام می‌داد و نیازی به ثبت در دفاتر رسمی و امثال آن نبود، اما امروزه مقتضیات روزگار ایجاب می‌کند

برخی معتقدند که این شکل و مهندسی ساختمان‌ها و مدارس و سرداب‌ها تقلید از مهندسی بناها در شهر «شوشتر» است؛ چون این شهر شباهت آب و هوایی و اقلیمی فراوانی به نجف اشرف دارد. برای صحت یا میزان دقت این ادعا باید بررسی تاریخی صورت بگیرد.

که وقف توسط دادگاه‌های شرعی تأیید و ثبت شود تا از سوءاستفاده از آن جلوگیری شود، متن زیر توسط دادگاه تأیید شده است:

\*بسم الله الرحمن الرحيم\*

شماره ۱۷-ت ۱۹۶۴

واقف: حاج عبدالعزیز بغدادی، فرزند حاج طاهر، وقفنامه‌ای را به این دادگاه در مورخه ۱۹۶۴/۳/۵ تسلیم نموده که حاوی این مطالب است:

عبدالعزیز بغدادی استناد به سند صادره از دادگاه شرعی جعفری بغداد به شماره ۶۱ ردیف ۹۶۲/۵۵ قطعه زمینی به شماره ۴۰۴-۱۵۰۵ واقع در شهرک سعد نجف اشرف به مساحت ۱۹۰۰ متر مربع را وقف نموده است تا در آن تأسیسات زیر ساخته شود:

مدرسه‌ای در دو طبقه با بیش از صد حجره؛ دو آشپزخانه؛ یک کتابخانه؛ ده باب حمام و سرویس بهداشتی؛ دو باغچه بزرگ در دو طرف مدرسه، یکی در مسیر کربلا و یکی در مسیر کوفه؛ مقبره اختصاصی خاندان بغدادی؛ محلی مخصوص وضو گرفتن در کنار نمازخانه؛ یک خانه در ضلع شمال زمین که شامل چند باب اتاق و یک حمام و سرویس بهداشتی و یک باغچه است؛ همه این تأسیسات باید مطابق شروطی که واقف محترم می‌گذارد، مورد استفاده قرار گیرد. این شروط عبارتند از:

۱. این مجموعه به اسم «مدرسه خیریه حاج عبدالعزیز بغدادی» نام گذاری شود؛

۱-۱. مدرسه‌ای برای فراگیری علوم دینی و اسلامی باشد و علمی که تعارضی با احکام و مبانی اسلام ندارد؛

۱-۲. محلی برای برپایی جشن مولد ائمه اطهار و اقامه عزای ایشان و مخصوصاً فاطمه زهرا علیها السلام و امام حسین علیه السلام و به طور کلی هر مجلسی که برای اهداف دینی برگزار شود؛ مثل جشن ازدواج و برگزاری مجالس ختم و هر مجلسی که مخالف مبانی شریعت مقدس اسلام نباشد؛

۱-۳. این مدرسه برای سکونت طلاب علوم دینی و علوم غیردینی مشروع فراهم شده و تفاوتی ندارد که طلبه علاوه بر سکونت، در همین مدرسه به درس می‌پردازد یا در جای

دیگری مشغول است؛ البته طلبه‌ای که دارای این چند شرط است:

الف) دارای اهلیت شرعی باشد؛

ب) دارای حسن سلوک و رفتار باشد؛

ج) بیماری مُسری و واگیر نداشته باشد؛

د) حضورش در مدرسه مضرّ به آن یا طلاب دیگر نباشد؛

ه) از بحث و جدل در امور غیر مشروع پرهیزد؛ مخصوصاً از بحث سیاسی که با مبانی اسلام

سازگاری ندارد؛

و) ورود خانم‌ها و سکونت ایشان در مدرسه ممنوع است؛

ز) متولّی مدرسه یا وکیل او به طلبه اجازه سکونت در مدرسه داده باشند؛

ح) طلبه در درس و تدریس و تحقیق کوشا و جدّی باشد و آن را رها نکند.

تبصره ۱: متولّی یا وکیل او می‌تواند طلبه‌ای را که به یکی از این شروط خللی وارد کرده، از مدرسه اخراج کنند. همچنین اگر تشخیص دهند حضور طلبه‌ای به مصلحت مدرسه نیست.

تبصره ۲: متولّی مدرسه می‌تواند علاوه بر این شروط، شروط دیگری که به مصلحت مدرسه می‌بیند، وضع و عملی کند.

۲. نمازخانه وقف عام برای طلاب و غیرطلاب است؛ به شرطی که در آن نماز بگذارند و قرآن تلاوت کنند.

۳. مقبره‌ای که نزدیک نمازخانه است، مخصوص آل بغدادی است؛ البته با این توضیح:

۳-۱. برای دفن خود واقف (حاج عبدالعزیز) و همسران و فرزندان و همسرانشان. همچنین نوه‌های پسری حاج عبدالعزیز و همچنین برادران حاج عبدالعزیز و فرزندان ایشان و همچنین فرزندان عموی حاج عبدالعزیز، یعنی حاج صالح و اولاد حاج حسن و فرزندان عموی محمدعلی و نوه‌های‌شان.

۳-۲. واقف می‌تواند در زمان حیاتش هرکسی را که خواست، در مقبره دفن کند؛ ولی متولّی بعد از فوت واقف چنین اجازه‌ای ندارد.

۴. آن خانه‌ای که در ضلع شمالی زمین واقع شده، برای سکونت متولّی و زائرین مرقد امیرمؤمنان علیه السلام از آل بغدادی وقف شده؛ البته تا زمانی که توقّفشان در نجف اشرف برای زیارت باشد.

تبصره: از شرط «توقّف برای زیارت»، متولّی و وکیل او مستثنا هستند و این دو نفر تا هر وقت که این سِمَت را دارند، می‌توانند در این خانه سکونت داشته باشند.

۴-۱. متولّی می‌تواند این خانه را اجاره دهد؛ البته به شرطی که از آن نفعی به دست آید. مال‌الاجاره خانه نیز در درجه اول برای مخارج نگاه‌داری خانه هزینه شود و سپس برای مخارج مدرسه.

۴-۲. متولّی می‌تواند به هر کسی که بخواهد، برای سکونت در این خانه اجازه دهد.  
 ۵. کتابخانه وقف عام برای طلاب و غیرطلاب است و توسط متولی یا وکیل او اداره می‌شود. متولّی می‌تواند قانون و نظام‌نامه را برای اداره کتابخانه تهیه و کسی را تعیین کند که به انجام امور خدماتی در کتابخانه بپردازد.

۶. تولیت به دست متولّی است، تا زمانی که زنده باشد و بعد از فوتش فرزندش «کامل» متولی خواهد بود و رئوف و عبدالجبار نیز ناظر بر متولی‌اند و بر اجرای مفاد وقفنامه توسط متولی اشراف دارند.

تبصره ۱: واقف می‌تواند فرد یا افرادی علاوه بر آنهایی که نامشان برده شده را به عنوان متولّی و ناظر نصب نماید. همچنین واقف حقّ عزل متولّی و ناظر را دارد.

تبصره ۲: متولّی و هر یک از دو ناظر می‌توانند کسانی را انتخاب کنند تا پس از ایشان این سِمَت‌ها را بر عهده بگیرند؛ البته با رعایت شروط ذیل:

۱. جانشین متولی و دو ناظر باید اهلیت شرعی داشته و به صلاح و تقوا و مدیریت صحیح شهره باشد.

۲. جانشین متولی در درجه اول باید از فرزندان پسر واقف و نواده‌های او باشند.

۳. اگر نوه پسر در میان نوادگان واقف نبود و یا بود اما صلاحیت نداشت، نظارت باید در نوادگان پسر حاج کاظم بغدادی باشد.

۴. اگر از افراد فوق‌الذکر کسی که صلاحیت تولیت و نظارت داشته باشد پیدا نشد، تولیت و نظارت به فرزندان پسر از دختران حاج عبدالعزیز برسد.

۵. اگر از افراد بند (۴) کسی صلاحیت تولیت و نظارت را نداشت، تولیت و نظارت برای نوادگان دختری حاج کاظم باشد.

۶. هرگاه باز هم کسی برای این مناصب یافت نشد، متولی و ناظر فعلی باید پس از ناامیدی از یافتن فردی صالح از ذریه حاج عبدالعزیز یا حاج کاظم، با مشورت، سه نفر از میان مؤمنان شیعه که توانا بر اداره وقف هستند را انتخاب نمایند؛ به طوری که یک نفر متولی و دو نفر دیگر ناظر باشند و شروط تعیین جانشین به ایشان سرایت می‌کند.
۷. اگر متولی یا یکی از دو ناظر ناپدید شدند و کسی را به جانشینی انتخاب نکرده‌اند، آن دیگری که موجود است برای فاقد عنوان، کسی را بر می‌گزیند.
۸. اگر متولی و دو ناظر ناپدید شدند یا فوت کردند و کسی را به جانشینی خود انتخاب نکرده‌اند، این امر توسط مرجع تقلید اثنا عشری انجام شود.
۹. متولی و دو ناظر برای حلّ اختلافشان در امور وقف به عالم امامیه اثنا عشری مراجعه کنند و هرچه او حکم کرد فصل الخطاب خواهد بود. این اختلاف چه در تعیین جانشین باشد و چه در اجرای مواد و قفنامه.
۱۰. اگر تولیت در غیر ذریه حاج عبدالعزیز افتاد و سپس از خاندان او شخص صالحی پیدا شد، امر تولیت باید به او باز گردد.
۱۱. متولی و ناظرها حق ندارند تولیت و نظارت را منحصر در ذریه خودشان قرار دهند. این سند در حضور دادگاه به همراه اسناد تحویل داده شده و مشخصات ملک ثبت و بر روی نقشه‌ای چاپ گردید و توسط مهندس ناظر و واقف و دو شاهد امضا شد.

۱۹۶۴/۳/۵

قاضی حسن شمس‌سای

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. محمدرضا شمس‌الدین، حدیث الجامعة النجفیه، ص ۷.
۲. رحله ابن بطوطه، ج ۱، ص ۱۰۹.
۳. عنوان اشرف، ج ۱، ص ۵۹.
۴. «سن» گونه‌ای از شن سفت شده را گویند.